

تأثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری

دکتر سیدحسین علوی طبری

دانشیار حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، ایران

زهرة عباس تفرشی

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه‌ی برخی ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و میزان افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۹ می باشد. در این راستا تأثیر برخی شاخص‌های نظام راهبری شرکتی (اندازه هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و وجود بخش حسابرسی داخلی) بر میزان افشای سرمایه فکری (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای)، برای ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش رگرسیون پانل دیتای پواسن بررسی شد. نتایج نشان داد بین تعداد مدیران و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار منفی وجود ندارد (رابطه‌ی معنادار وجود ندارد)؛ بین درصد اعضای غیر موظف و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد؛ بین یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار منفی وجود دارد و بین وجود بخش حسابرسی داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار مثبت وجود ندارد (رابطه‌ی معناداری وجود ندارد).

واژه های کلیدی: نظام راهبری شرکتی، سرمایه فکری، افشای سرمایه فکری

، ویژگی‌های هیات مدیره، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مقدمه

در سال های اخیر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)¹ و تنظیم کنندگان مقررات بازار اوراق بهادار در بسیاری از کشورها نظام راهبری شرکتی و افشای اطلاعات را به عنوان موضوع های جدانشدنی برای امنیت سرمایه گذار و کارایی بازارهای سرمایه مورد توجه قرار داده اند. نظریه نمایندگی بیان می کند که شرکت های با هزینه های بالای نمایندگی تلاش می کنند تا با افزایش سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و میزان افشای اختیاری، این هزینه ها را کاهش دهند. مطالعات قبلی به وضوح نشان نمی دهد که وجود نظام راهبری شرکتی و افشای اختیاری، مکمل یا جانشین پاسخگویی شرکت است. افشا بدون هزینه نیست، از این رو شرکت ها ترجیح می دهند هزینه های مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی را با بهبود نظام راهبری شرکتی و نه افزایش میزان افشا کاهش دهند. با توجه به اینکه کارایی نظام راهبری شرکتی محرک مهمی برای شرکت ها در رابطه با افشای اختیاری اطلاعات درباره ی دارایی های نامشهود می باشد، در این تحقیق به بررسی اثر سازوکارهای داخلی نظام راهبری شرکتی بر افشای اختیاری سرمایه فکری می پردازیم [10].

بر اساس ادبیات، ترکیب هیات مدیره از نظر اندازه اثر مهمی بر کارایی، اثر بخشی و رفتار نظارتی مدیران دارد. هیات مدیره بزرگتر می تواند به علت تجمع تخصص و منابع برای سازماندهی، مفیدتر باشد، اما افزایش بیش از حد تعداد مدیران، این مزایا را با افزایش هزینه های مرتبط با زمان تصمیم گیری طولانی تر و ارتباط ضعیف تر مدیران خنثی می کند و اثر معکوس دارد. [15] عقاید کلی نشان می دهد که اندازه هیات مدیره با کیفیت کنترل و به تبع با افشا رابطه عکس دارد [10]. در نتیجه فرض می شود که تعداد مدیران هیات مدیره با افشا رابطه عکس دارد.

¹Organisation for Economic Co-operation and Development

دوگانگی وظیفه مدیرعامل به این موضوع اشاره دارد که مدیرعامل کسی است که رئیس هیات مدیره هم باشد. در این صورت مدیرعامل موقعیت قدرتمندی در هیات مدیره دارد، که این امکان را به وجود می آورد وی از ارائه اطلاعات نامطلوب به افراد برون سازمانی خودداری کند... هنگامی که مدیرعامل هر دو وظیفه را به عهده دارد، بر تصمیمات و فعالیت های خود نظارت می کند، از این رو ممکن است فعالیت های شرکت در جهت نفع سهام داران انجام نشود. در یک نظام راهبری شرکتی مطلوب، انتظار می رود که وجود رئیس هیات مدیره مستقل، به یک هیات مدیره شفاف تر و در نتیجه افشای بیشتر منجر شود و برعکس [20]. به عبارت دیگر بین یکسان بودن نقش مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه منفی وجود دارد.

ترکیب هیات مدیره که با تعداد اعضای غیر موظف اندازه گیری می شود به طور معنا داری با افشا رابطه ی مستقیم دارد. بودن اعضای غیر موظف در هیات مدیره به تنظیم بهتر فعالیت ها و جلوگیری از فرصت طلبی مدیران می انجامد [11]. عملکرد مدیران هیات مدیره می تواند به عنوان یک سازوکار کنترل داخلی در فرآیند تصمیم گیری شرکت در جهت منافع سهام داران و هم چنین برای اطمینان از این که تصمیم های مدیریت در جهت منافع سهام داران باشد، در نظر گرفته شود. در نتیجه فرض می شود که یک شرکت با مدیران غیرموظف غیر اجرایی بیشتر، اطلاعات بیشتری در رابطه با سرمایه فکری افشامی کند [19].

از دیگر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی که بر افشای اختیاری اطلاعات اثر می گذارد وجود بخش حسابرسی داخلی^۲ می باشد، از آن جا که وظیفه ی حسابرسان داخلی بازرسی و ارزیابی موثر بودن نحوه ی انجام وظایف قسمت های مختلف سازمان و آزمون سیستم کنترل داخلی و میزان موثر بودن دستورالعمل ها... است، بر افشای اختیاری اثر گذار می باشد.

^{۱۰} internal audit

سرمایه فکری از جمله مواردی است که مشمول افشای اختیاری^۳ می شود. امروزه در دنیا، افشای سرمایه فکری شرکت ها توجه زیادی را به خود جلب کرده است، زیرا حرکت اقتصاد در دنیا به سمت اقتصاد دانش محور می باشد. چنین شرایطی برای شرکت ها ارزش افزوده ایجاد می کند و موجب می شود که تمایل آن ها به سمت دارایی های نامشهود کشیده شود [19] و با افشای صحیح دارایی های نامشهود از جمله سرمایه فکری، ارزش واقعی شرکت ها مشخص می شود. هدف این پژوهش بررسی تاثیر برخی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر میزان افشای سرمایه فکری است.

مبانی نظری

برای نظام راهبری شرکتی تعاریف متعددی ارائه شده است، به عقیده تامسن^۴ و ات بوریو^۵، نظام راهبری شرکتی به مجموعه ای از سیستم ها، اصول و فرآیندها اشاره دارد که به وسیله آن یک شرکت اداره می شود. نظام راهبری شرکتی دستورالعمل هایی ارائه می کند که چه طور شرکت می تواند مدیریت یا کنترل شود به طوری که، آن می تواند به اهداف شرکت جامه عمل بپوشاند و برای شرکت ارزش افزوده ایجاد کند. هم چنین نظام راهبری شرکتی در دراز مدت برای همه ذی نفعان اعم از سهامداران، مشتریان، کارکنان و جامعه مفید می باشد.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی [2]، راهبری شرکتی را به این ترتیب تعریف کرده است: "مجموعه ای از روابط بین مدیریت، هیات مدیره، سهام داران، و سایر ذی نفعان شرکت می باشد. راهبری شرکتی هم چنین ساختاری را فراهم می آورد که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و هم چنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران معلوم می گردد. راهبری شرکتی مطلوب باید برای هیات مدیره و مدیریت، انگیزه های مناسبی ایجاد کند تا اهدافی را که به نفع شرکت و سهام داران آن

^{۱۵} Voluntary Disclosure

^۳ Lisa Mary Thomson

^۴ ET Bureau(2009)

است دنبال نمایند. هم چنین نظارت موثر و کارآمد درون یک شرکت و در کل یک اقتصاد، کمک می کند تا درجه ای از اعتماد فراهم آید که برای عملکرد مناسب یک اقتصاد بازار لازم است."

مفهوم و تعاریف سرمایه فکری

از آغاز پژوهش در باره ی سرمایه فکری در اوایل دهه ۱۹۸۰، تعاریف متعددی از سرمایه فکری ارائه شده است. اگرچه این تعاریف با یکدیگر متفاوت هستند اما هیچ یک دیگری را نقض نمی کند چرا که بیشتر تعاریف ویژگی های یکسانی را بیان می کنند. بنتیس^۶ سرمایه فکری را به عنوان مجموعه ای از دارایی های ناشمهود (منابع، توانایی ها، رقابت) تعریف می کند که از عملکرد سازمانی و ایجاد ارزش به دست می آید [7]. بروکینگ^۷ سرمایه فکری را این طور تعریف می کند: سرمایه فکری اصطلاحی است که به دارایی های ناملموس جمعی نسبت داده شده که سازمان را برای عمل قادر سازد [9]. با در نظر گرفتن بحث ها و مفاهیم مربوط به سرمایه فکری به نظر می رسد در اکثر طبقه بندی ها، سرمایه فکری در سه دسته اصلی سرمایه های انسانی، ساختاری و رابطه ای قرار می گیرد.

سرمایه انسانی: سرمایه انسانی به آن دانش کارکنان اشاره دارد که وقتی سازمان را ترک می کنند با خود می برند و شامل دانش، مهارت، تجربه و توانایی افراد است [6].

سرمایه ساختاری: شامل مکانیزم ها و ساختارهایی است که نقش اصلی آن حمایت از کارکنان برای رسیدن به عملکرد بهینه فکری و از سویی عملکرد بهینه در کسب و کار می باشد. در حقیقت این سرمایه شامل تمامی مخازن دانشی غیر انسانی در یک سازمان

⁶Bontis

¹⁰ Brooking

مانند پایگاه داده ها، فرآیند ها، استراتژی ها و چارت های سازمانی است که به سازمان ارزشی فراتر از دارایی های فیزیکی می بخشد [3].

سرمایه رابطه ای : روس و همکاران سرمایه رابطه ای را عبارت از ارتباط بین سازمان و سهام داران خارجی و هم این طور داشتن ارتباط خوب با تامین کنندگان می داند [17]. سرمایه رابطه ای، شامل ارتباط هایی است که افراد خارج از سازمان با سازمان دارند، وفاداری مشتریان، سهم بازار شرکت، میزان برگشتی سفارش ها و مسائل مشابه را نیز شامل می شود. [14].

در سال های اخیر دیده شده است که ارزش بازار شرکت ها نسبت به ارزش دفتری آن ها بیشتر شده است. این مسئله ممکن است، نشان دهد صورت های مالی سیستم حسابداری سنتی به طور کامل اطلاعات مربوط به ارزش شرکت را درست نشان نمی دهد. تحقیقات نشان داده است سرمایه فکری مانند حق اختراع، مهارت کارکنان و... که خارج از صورت های مالی هستند، به طور فزاینده ای برای شرکت ارزش ایجاد می کند. اهمیت این دارایی ها مورد توجه هیات تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی قرار گرفته است و آن ها استاندارد حسابداری دارایی نامشهود را که در سال ۲۰۰۸ به روز رسانی شده، تدوین کرده اند. طبق این استاندارد، بعضی از عناصر سرمایه فکری در گزارش های سالانه افشا می شوند اما غالب آنها هنوز افشا نمی شوند. در نتیجه سرمایه گذاران با کمبود اطلاعات مواجه می شوند که می تواند منجر به افزایش ریسک شود. این مسئله، می تواند مشکلاتی را در جذب سرمایه ایجاد کند و احتمالاً باعث برآورد سود آتی کمتر شود. به منظور جلوگیری از این مسائل، شرکت ها تصمیم به افشای اختیاری اطلاعات می نمایند [8]. گزارشگری سرمایه فکری فرصت هایی را برای شرکت ایجاد می کند: ۱- ایجاد اعتماد برای سهام داران و ایجاد ابزار بازاریابی ارزشمند ۲- افزایش شهرت شرکت ۳- مشروع قلمداد شدن شرکت در منظر عمومی و جلوگیری از ایجاد هزینه های عدم مشروعیت [16].

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

عبدالرشید⁸ و همکاران [5]، در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در اعلامیه پذیره نویسی عرضه عمومی اولیه شرکت ها، با استفاده از رگرسیون چندگانه، در کشور مالزی پرداختند. به این منظور نمونه‌ی ۱۳۰ تایی از شرکت های بخش تولید صنعتی و فناوری بورس اوراق بهادار مالزی که بین سال های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۸ عرضه عمومی اولیه شده بودند، انتخاب شد. نتایج نشان داد، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، عمر شرکت، اهرم، کارگزار منتخب شرکت (یکی از دو کارگزار بزرگ بودن یا غیر از آن) و پذیرفته شدن شرکت در بازار خاصی از بورس (شرکت های فناوری و غیر از آن)، رابطه‌ی معناداری با میزان افشای سرمایه فکری دارد. در حالی که اندازه شرکت، نوع حسابرسی (انجام حسابرسی توسط چهار بزرگ⁹ یا غیر از آن) و عدم تشابه فکری مدیران هیات مدیره رابطه‌ی معناداری با میزان افشای سرمایه فکری نداشت. هم چنین این بررسی نشان داد، افشا در شرکت های مالزیایی نسبتا کم است و اطلاعات مربوط به تحقیق و توسعه، استراتژی شرکت، مشتریان، منابع انسانی و فناوری اطلاعات به طور متناوب افشا شده است.

تلیانگ¹⁰ و یوسپ¹¹ [19]، در پژوهشی به بررسی میزان افشای سرمایه فکری و رابطه بین افشای سرمایه فکری و سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در شرکت های سهامی عام کشور مالزی پرداختند. متغیر مستقلی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، نظام راهبری شرکتی بود که شامل چهار متغیر ترکیب هیات مدیره، دو نقشی بودن مدیر عامل (مدیر عامل و رئیس هیات مدیره یک نفر باشد.)، اندازه کمیته حسابرسی و کثرت

⁸ Azwan Abdul Rashid

⁹ 4 big

¹⁰ Siti Mariana Taliyang

¹¹ Mariana Jusop

جلسات کمیته حسابرسی بود. یک نمونه ۱۵۰ تایی از شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار مالزی از پنج صنعت مورد بررسی قرار گرفت و برای تجزیه تحلیل داده‌ها از مدل رگرسیون خطی استفاده شد. از چهار متغیر مستقل آزمون شده، تنها کثرت جلسات کمیته حسابرسی به طور مثبت و معنادار با میزان افشای سرمایه‌ی فکری رابطه داشت. نتایج نشان داد ۷۲٫۶ درصد از شرکت‌های انتخاب شده، سرمایه‌ی فکری را در گزارش‌های سالانه خود افشا می‌کنند. با این وجود، میزان افشای سرمایه‌ی فکری در بین شرکت‌های مالزیایی تقریباً ۳٫۴۵ درصد و بسیار کم است. هرچند بیشتر شرکت‌های مالزیایی درباره‌ی سرمایه‌ی فکری آگاهی دارند اما نمی‌دانند که چه طور این اطلاعات را در گزارش‌های سالانه اندازه‌گیری و افشا کنند.

ال. هیدالگو^{۱۲} و همکاران [15]، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین سازوکارهای داخلی نظام راهبری شرکتی (اندازه هیئت مدیره و ساختار مالکیت) و افشای اختیاری دارایی‌های نامشهود (سرمایه فکری)، با استفاده از یک نمونه ۱۰۰ تایی از شرکت‌های مکزیکی عضو بورس اوراق بهادار در طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۷ پرداختند. نتایج نشان داد اندازه‌ی هیئت مدیره به طور معناداری بر افشای سرمایه‌ی فکری اثر می‌گذارد. یعنی شرکت‌های با هیئت مدیره بزرگتر افشای بیشتری در مورد دارایی‌های نامشهود دارند. هم‌چنین نتایج نشان داد که افزایش اعضای هیئت مدیره به بیش از پانزده نفر به دلیل بحث‌های کنترلی و نظارتی اثر معکوس بر افشای سرمایه‌ی فکری دارد. با توجه به نتایج، افزایش سرمایه‌گذاران نهادی اثر منفی بر افشای سرمایه‌ی فکری دارد. البته افزایش بیش از حد سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است این رابطه را معکوس کند.

فلیخاتون^{۱۳} و همکاران [12]، در پژوهشی، با ارائه شواهد تجربی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه‌ی فکری در گزارش‌های سالانه بخش بانکداری اندونزی طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۸ پرداختند. این تحقیق از ۳۶ گزارش سالانه بورس

¹² Ruth L. Hidalgo

¹³ Falikhatun

اوراق بهادار اندونزی طی سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۸ استفاده کرد. نتایج تحقیق نشان داد، میانگین اطلاعات سرمایه فکری که توسط بخش بانکداری در اندونزی افشا شده ، ۳۵٫۷ درصد است. در این تحقیق متغیرهای اندازه هیات مدیره، تعداد مدیران غیر موظف و ساختار مالکیت اثری بر افشای سرمایه فکری نداشتند، اما وجود مالکیت مدیریتی یک متغیر با اهمیت بود که بر افشای سرمایه ساختاری داخلی، تاثیر منفی داشت.

گیگانته^{۱۴} و پریویتی^{۱۵} [13]، در پژوهشی به بررسی افشای سرمایه فکری در بانک های کشورهای اسپانیا، پرتغال و یونان طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۱۰ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اندازه شرکت و عملکرد مالی سرمایه فیزیکی، با مقدار افشای سرمایه فکری ارتباط معناداری ندارد. نبود رابطه ی معنادار بین اندازه شرکت و مقدار افشا تا حدی با پژوهش های افشای حسابداری در تضاد است. هم چنین بین افشای سرمایه فکری و عملکرد مالی سرمایه ی فیزیکی ارتباطی مشاهده نشد.

نورونی^{۱۶} و همکاران [18]، در پژوهشی به بررسی گزارشگری سرمایه فکری در کشورهای در حال توسعه ی آسیای جنوبی پرداختند. در این پژوهش ۹۰ شرکت غیر مالی کشور بنگلادش طی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، به عنوان نمونه انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. برای تجزیه تحلیل، از روش تحلیل محتوای گزارش های سالانه استفاده شد. در این پژوهش از یک فهرست افشای تعدیل شده و تجزیه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات برای آزمون رابطه بین ویژگی های شرکت (از جمله عمر شرکت، جمع دارایی ها و کل فروش، ارزش بازار شرکت، ریسک نقدینگی، درصد اعضای کمیته حسابرسی به تعداد اعضای هیات مدیره، تمرکز مالکیت، شهرت حسابرسی شرکت (چهار بزرگ یا داخلی) و میزان گزارشگری سرمایه فکری، استفاده شد. نتایج نشان داد با وجود این که ارزش بازار سهام شرکت ها به طور معناداری رو به رشد است، تمایل به افشای سرمایه فکری وجود

¹⁴ Gimed Gigante

¹⁵ Daniele Angelo Previati

¹⁶ Mohammad Nurunnabi

ندارد و ۵۴ درصد از شرکت های نمونه بین ۵٫۸ تا ۱۰٫۶ درصد به افشای سرمایه فکری پرداخته اند. هم چنین نتایج تایید کرد که اندازه شرکت و نوع صنعت در افشای سرمایه فکری به طور معناداری موثر هستند.

پیشینه داخلی

رشیدی و حجازی [1]، در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۸۸ پرداخت. هدف از این پژوهش بررسی عوامل تاثیر گذار بر افشای شاخص های سرمایه فکری در قالب چهار فرضیه بود. متغیرهای مستقل این پژوهش جمع دارایی ها، نرخ سود ناخالص، نرخ حقوق صاحبان سهام و سن شرکت بود و متغیر وابسته پژوهش شاخص های سرمایه فکری بود. با آزمون فرضیه ها مشخص شد جمع دارایی ها و نرخ سود ناخالص بر افشای شاخص های سرمایه فکری تاثیر مثبت داشته اند ولی سن شرکت و نرخ حقوق صاحبان سهام بر افشای سرمایه فکری بی تاثیر بود. هم چنین مشخص شد میزان تاثیر متغیر سود ناخالص از میزان تاثیر جمع دارایی ها بیشتر بوده است.

نمازی و ابراهیمی [4]، در پژوهشی به بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. دوره زمانی مورد مطالعه سال های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ و نمونه انتخابی شامل ۱۲۰ شرکت بود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های این پژوهش با استفاده از " روش رگرسیون حداقل مربعات جزئی " حاکی از این بود که صرف نظر از اندازه شرکت، ساختار بدهی و عملکرد مالی گذشته، بین سرمایه فکری و عملکرد مالی جاری و آینده شرکت، هم در سطح کلیه شرکت ها و هم در سطح صنایع، بین اندازه شرکت و عملکرد گذشته و عملکرد آتی رابطه مثبت معنی داری وجود داشت. اما رابطه بین ساختار بدهی و عملکرد جاری و آتی در سطح کلیه شرکت ها مثبت و معنی دار و در سطح صنایع، در صنعت شیمیایی و دارویی مثبت و معنی دار و در صنعت خودرو و فلزات و کانی غیر فلزی مشخص نبود.

فرضیه های پژوهش

با بررسی ادبیات فرضیه های زیر طراحی شد [10]:

۱- بین تعداد اعضای هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود دارد.

۲- بین تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

۳- بین یکسان بودن رئیس هیات مدیره و مدیرعامل با میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود دارد.

۴- بین وجود بخش حسابرسی داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی و همبستگی می باشد. با استفاده از مدل رگرسیون زیر، رابطه بین متغیر مستقل و وابسته بررسی شد:

$$\begin{aligned} \text{INDEX OF DISCLOSURE} = & \beta_0 + \beta_1 \text{SIZE} + \beta_2 \text{OWNERSHIP} \\ & \text{CENTRALIZATION} + \beta_3 \text{ROE} + \beta_4 \text{LEVERAGE} + \beta_5 \text{GROWTH} + \\ & \beta_6 \text{AGE} + \beta_7 \text{NBOD} + \beta_8 \text{PROPIND} + \beta_9 \text{CHCEO} + \beta_{10} \text{INTERNAL} \\ & \text{AUDITTING} + \varepsilon \end{aligned}$$

Index of disclosure: افشای کل سرمایه فکری شامل افشای سرمایه انسانی

، سرمایه رابطه ای و سرمایه داخلی

SIZE: اندازه شرکت

OWNERSHIP CENTRALIZATION: تمرکز مالکیت

ROE: سودآوری

LEVERAGE: نسبت اهرمی

GROWTH: فرصت های رشد

AGE: عمر شرکت

PROPIND: ترکیب هیات مدیره

INTERNAL AUDITING: وجود بخش حسابرسی داخلی در شرکت.

CHCEO: یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره

NBOD: اندازه هیات مدیره

: ضریب خط

متغیرهای پژوهش: نظام راهبری شرکتی، متغیر مستقل و افشای سرمایه فکری متغیر وابسته تحقیق است.

متغیر مستقل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

متغیر مستقل تحقیق با معیارهای زیر سنجیده شد:

اندازه هیات مدیره (NBOD): تعداد اعضای موظف و غیرموظف هیات مدیره .

یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره (CHCEO): اگر مدیرعامل، رئیس

هیات مدیره هم باشد این متغیر کد ۱ و در غیر این صورت کد صفر گرفته است.

ترکیب هیات مدیره (PROPIND): در صد مدیران غیر موظف هیات مدیره

وجود بخش حسابرسی داخلی (INTERNAL AUDITING): اگر شرکت
بخش حسابرسی داخلی داشته باشد کد ۱ و در غیر این صورت کد صفر گرفته است.

متغیر وابسته: متغیر وابسته این پژوهش تعداد موارد افشای سرمایه فکری می باشد که با توجه به رویکرد پتی^{۱۷} و گوتتری^{۱۸} (۲۰۰۰) و بازولان^{۱۹} (۲۰۰۳) از طبقه بندی و شاخص های چارچوب سویدی (۱۹۹۷) استفاده گردیده است [10]، سپس با در نظر گرفتن آن اطلاعاتی که در گزارش های هیات مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران ارائه گردیده، تعدیل شده است. از روش تحلیل محتوا و کد گذاری داده ها برای اندازه گیری شاخص ها استفاده شد. به این ترتیب که اگر اطلاعات مربوط به شاخصی از سرمایه فکری در گزارش هیات مدیره افشا شده باشد، آن شاخص ارزش ۱ و اگر افشا نشده باشد ارزش ۰ گرفته است. در نهایت برای اندازه گیری تعداد موارد افشای هر طبقه و کل سرمایه فکری، اعداد نسبت داده شده به شاخص های هر طبقه و هر سه طبقه به ترتیب با هم جمع شد [10].

شاخص های مورد استفاده برای سنجش افشای سرمایه فکری به شرح زیر می باشد:

افشای سرمایه انسانی (HUMAN CAPITAL): افشای اطلاعات مرتبط با رفاه
کارکنان، دانش مرتبط با کار، آموزش کارکنان

افشای سرمایه رابطه ای (EXTERNAL CAPITAL): افشای اطلاعات مرتبط با
مشتری مداری، سهم بازار شرکت، قراردادهای شرکت، گواهینامه ها و تقدیرنامه های
دریافتی شرکت

¹⁷ Petty

¹⁸ Guthrie

¹⁹ Bozzolan

افشای سرمایه داخلی (INTERNAL CAPITAL): افشای اطلاعات مرتبط با سیستم اطلاعاتی، استفاده از فناوری، فعالیت های تحقیق و توسعه

متغیرهای کنترلی

برای بررسی تاثیر سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مساله تحقیق موثرند، متغیرهای کنترلی با توجه به ادبیات، تعیین گردید. این متغیرها عبارتند از:

اندازه شرکت (SIZE): ارزش دفتری مجموع دارایی ها در پایان سال مالی

اهرم (LEVERAGE): کل بدهی ها تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان سال مالی

تمرکز مالکیت (ownership centralization): مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سه سهامدار عمده شرکت در پایان سال مالی

سودآوری (ROE): بازده حقوق صاحبان سهام.

فرصت های رشد (GROWTH): ارزش بازار سهام عادی تقسیم بر ارزش دفتری حقوق سهام داران عادی در پایان سال مالی.

با توجه به اینکه در روزهای پایانی سال، قیمت های بازار سهام نوسانات زیادی دارد، برای محاسبه ارزش بازار سهام از میانگین قیمت روز های پایانی سال استفاده شده است. بعد از گرفتن میانگین از قیمت سهام، تعداد سهام منتشره در این میانگین ضرب گردید و قیمت بازار کل سهام شرکت محاسبه شده است. ارزش دفتری کل سهام شرکت برابر است با جمع حقوق صاحبان سهام.

عمر شرکت (AGE): زمان سپری شده از تاسیس شرکت

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ - ۱۳۸۹ می باشد . نمونه گیری به روش مرحله ای انجام شد . ویژگی هایی که برای انتخاب شرکت های نمونه نهایی در نظر گرفته شد، به این شرح است: ۱- پایان سال مالی ۲۹ اسفند باشد. ۲- جزء بانک ها، شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ و لیزینگ نباشد. ۳- تا پایان سال ۸۵ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند. ۴- طی سال های مورد بررسی شرکت تغییر سال مالی نداده باشد. ۵- اطلاعات مربوط به متغیرهای نظام راهبری شرکتی و سرمایه فکری در دوره تحقیق، در دسترس باشد.

یافته های پژوهش

در این بخش فرضیه ها با استفاده از مدل پانل دیتای رگرسیون پواسون و براساس معنی دار بودن یا نبودن ضرایب β_7 تا β_{10} آزمون شد..

تحلیل همبستگی: برای بررسی وجود رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه و نتایج در نگاره زیر ارائه شد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاره شماره ۴-۲۰: ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

NBOD	CHCEO	INTERNAL AUDITTING	PROPIND	INDEX OF DISCLOSURE	متغیر	
				۱/۰۰۰	ρ	INDEX OF DISCLOSURE
				-	- Value	
			۱/۰۰۰	۰/۰۵۳	ρ	PROPIND
			-	۰/۳۱۲	- Value	
		۱/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۳۲۷***	ρ	INTERNAL AUDITTING
		-	۰/۶۹۷	۰/۰۰۰۱	- Value	
	۱/۰۰۰	۰/۰۵۶	-۰/۰۰۹	۰/۰۴۹	ρ	CHCEO
	-	۰/۲۸۷	۰/۸۶۲	۰/۳۵۶	- Value	
۱,۰۰۰	۰/۰۱۲	-۰/۰۶۶	۰/۰۰۱	-۰/۱۱۸***	ρ	NBOD
-	۰,۸۲۱	۰/۲۱۰	۰/۹۷۸	۰/۰۲۵	- Value	

*** معنی دار در سطح ۱ درصد، ** معنی دار در سطح ۵ درصد، * معنی دار در سطح ۱۰ درصد.

درصد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش محاسبه و آزمون صفر بودن این ضریب یعنی $H_0: \rho = 0$ با استفاده از $T-test$ آزمون شد. در این آزمون فرض H_0 معادل نداشتن رابطه معنی دار است. این آزمون به وسیله $P-Value$ انجام می شود؛ اگر $P-Value$ کمتر از α شود فرض H_0 تایید نمی شود. یعنی در سطح خطای مورد نظر مقدار $P-Value$ نشان می دهد که ضریب همبستگی معنی دار است. یعنی آن قدر بزرگ است، که نمی توان از آن صرف نظر کرد.

ضرایب مدل رگرسیون

در این بخش ضریب تعیین و ضرایب مدل برآورد و آزمون معنی‌داری هر یک ارایه شده است:

نگاره شماره ۴-۲۱: ضریب تعیین

آماره	r	r^2	t^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد
مقدار	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۰/۱۳۰	۲/۱۹۵

ضریب تعیین نشان می‌دهد که تغییرات ناشی از رگرسیون چه درصدی از تغییرات کل را به خود اختصاص می‌دهد. یعنی ۱۵,۷ درصد تغییرات ناشی از رگرسیون است.

نگاره شماره ۴-۲۲: خلاصه آماره‌های مدل رگرسیونی

ضریب	برآورد	انحراف معیار	آماره z	P-Value
β_7	۰/۰۰۳	۰/۱۳۲	۰/۰۲۶	۰/۹۷۹
β_8	۰/۲۴۴	۰/۰۴۸	۵/۰۴۴***	۰/۰۰۰۱
β_9	-۰/۲۷۲	۰/۲۲۶	-۵/۳۲۰***	۰/۰۰۰۱
β_{10}	-۰/۰۶۳	۰/۱۱۱	-۰/۵۷۲	۰/۵۶۸

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

با توجه به معنی‌دار نبودن β_7 ، فرضیه اول تایید نشد یعنی:

" بین تعداد اعضای هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار وجود ندارد." *گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

به عبارت دیگر، رابطه‌ی معناداری بین تعداد اعضای هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری مشاهده نشد.

با توجه به معنی‌دار بودن β_8 ، فرضیه دوم تایید شد یعنی:

" بین تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد."

با توجه به معنی دار بودن β_9 ، فرضیه سوم تایید شد یعنی:

" بین یکسان بودن رئیس هیات مدیره و مدیرعامل با میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود دارد."

با توجه به معنی دار نبودن β_{10} ، فرضیه چهارم تایید نشد یعنی:

" بین وجود بخش حسابرسی داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود ندارد."

به عبارت دیگر، رابطه ی معناداری بین تعداد اعضای هیئت مدیره و میزان افشای سرمایه فکری مشاهده نشد.

هم چنین نتایج مشابهی، بین متغیرهای نظام راهبری شرکتی و میزان افشای اجزای سرمایه فکری به طور مجزا مشاهده شد.

نتیجه گیری

یک راه مناسب برای شناخت کافی از وضعیت سرمایه فکری، تقویت، افشا و گزارش آن در گزارش های سالانه است. حتی شرکت ها می توانند گزارش های جداگانه در این زمینه ارائه کنند. افشای سرمایه فکری به معنای ایجاد تصویری از تلاش های شرکت در مسیر پیشرفت، توسعه، تقویت منابع و شایستگی هایی است که در رابطه با کارکنان، مشتریان، فناوری و فرآیندها انجام می شود. گزارش سرمایه فکری میزان افزایش در ارزش آینده شرکت و نیز قابلیت رقابتی بودن شرکت در یک اقتصاد دانشی را نشان می دهد [3]. عوامل متعددی در میزان افشای سرمایه فکری موثرند، در این پژوهش تاثیر برخی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر میزان افشای سرمایه فکری شرکت های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۸۹ با استفاده از روش رگرسیون پانل دیتای پواسن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد، با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت، اهرم، تمرکز مالکیت، سودآوری، فرصت های رشد، عمر شرکت)، یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و درصد اعضای غیر موظف رابطه معناداری با میزان افشای سرمایه فکری دارند و بین تعداد مدیران و وجود بخش حسابرسی داخلی با میزان افشای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد.

پیشنهاد برای پژوهش های آتی

- ۱- مطالعه تاثیر نوع صنعت بر رابطه بین نظام راهبری شرکتی و میزان افشای سرمایه فکری
- ۲- تکرار این پژوهش با در نظر گرفتن یک رویداد خاص مثل عرضه اولیه سهام یا سایر مسائل اقتصادی و...
- ۳- در نظر گرفتن عامل کیفیت در افشای سرمایه فکری
- ۴- انجام این پژوهش با در نظر گرفتن تاثیر سایر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و سایر عوامل موثر بر میزان افشای سرمایه فکری

منابع

- ۱- رشیدی، میترا و رضوان حجازی. (۱۳۹۰). "ارزیابی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ۲- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD). (۲۰۰۴). **اصول حاکمیت شرکتی**، ترجمه مهسا رهبری خرازی، (چاپ دوم)، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس.

۳- عالم تبریز، اکبر، و علی حاجی بابا علی، و ایمان رجیبی فرد. (۱۳۸۸). **سرمایه فکری**. تهران، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران

۴- نمازی، محمد و شهلا ابراهیمی (۱۳۸۸). "بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی جاری و آینده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **تحقیقات حسابداری**، شماره ۴، سال ۱، زمستان، ص ۲۵-۴

5-Abdul Rashid ,Azwan, Muhd Kamil Ibrahim, Radiah Othman& Kok Fong See. (). " IC disclosures in IPO prospectuses: evidence from Malaysia". **Journal of Intellectual Capital**, Vol. , Iss. , pp. 57-80

6)Beattie ,Vivien& Sarah Jane Smith. (). " Human capital, value creation and disclosure". **Journal of Human Resource Costing& Accounting**, Vol. , Iss. , pp. -

7-Bontis,N. (1998). "Intellectual Capital : an exploratory study that develops measures and models. **Managing Decision** VOL.36,NO.2,PP.63-76

8-Branswijck, Deborah & Patricia, Everaert .(2012). " Intellectual capital disclosure commitment: myth or reality?". **Journal of Intellectual Capital**, Vol. 13, Iss. 1, pp. 9-56

9-Brooking, A. (1996). "Core Asset for The Third Millennium Enterprises". **International Thomson Business Press** ,London, VOL.8,N.12,PP.76

10- Cerbioni, Fabrizio & Antonio Parbonetti.(2007)." Exploring the Effects of Corporate Governance on Intellectual Capital Disclosure: An Analysis of European Biotechnology Companies". <http://ssrn.com>

11- Eng, L.L& Y.T. Mak.(2003)." Corporate governance and voluntary disclosure". **Journal of Accounting and Public Policy**,vol. 22 (2003), 325-345

12- Falikhatun, Y Anni Aryani & Ananto Prabowo. (2011). " The Effects of Corporate Governance on the Intellectual Capital Disclosure". **World Review of Business Research**, Vol. 1, No. 4, Pp.66-83

13-Gigante, Gimede & Daniele Angelo Previati. (2011). "Empirical Analysis of Intellectual Capital Disclosure Practices in Banks: Spain, Portugal and Greece". Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1961>

14-Kok , Andrew. (2007). " Intellectual Capital Management as Part of Knowledge Management Initiatives at Institutions of Higher Learning". **Electronic Journal of Knowledge Management**, Vol. 5, Issue. 2, PP. (181 - 192)

15-L.Hidalgo,Ruth,Emma Garcí'a-Meca& Isabel Martí'nez.(2011)." Corporate Governance and Intellectual Capital Disclosure". **Journal of Business Ethics** (2011) 100:483-495.

16-Mangena, Musa , Richard Pike & Jing Li. (2010). **Intellectual Capital Disclosure Practices and Effects on the Cost of Equity Capital: UK Evidence**. The Institute of Chartered Accountants of Scotland

17-Marr.B (2005) "Defining Intellectual Capital : A Three-Dimenesional Approach ". **Management Desicision** VOL.43,NO.9,PP.1114-1128

18-Nurunnabi, Mohammad, Monirul Hossain & Md. Hossain. (2011). "Intellectual capital reporting in a South Asian country: evidence from Bangladesh". **Journal of Human Resource Costing & Accounting**, Vol. 15, Iss. 3, pp. 196-233

19-Taliyang, Siti Mariana & Mariana Jusop. (2011). "Intellectual Capital Disclosure and Corporate Governance Structure: Evidence in Malaysia". **International Journal of Business and Management**, Vol. 6, No, PP.109-117

20-Wan Mohamad, Wan Izyani Adilah & Zunaidah Sulong. (2010). "Corporate Governance Mechanisms and Extent of Disclosure: Evidence from Listed Companies in Malaysia". **International Business Research**, October 2010, Vol. 3, No. 4, pp.216-228

The Effects of Corporate Governance on Intellectual Capital disclosure

Seyed Hossein Alavi Tabari (Ph.D)²⁰

Zohreh Abbas Tafreshi²¹

Abstrac

²⁰ Associate Professor of AL-Zahra University

²¹ Master of AL-Zahra University

The purpose of this paper is investigating the relationship between some corporate governance mechanisms and level of intellectual capital disclosure in firms listed on Tehran Stock Exchange during 1387-1389. In this regard, the influence of some indicators of corporate governance (board size, board composition, CEO duality and existence of internal auditing) on level of intellectual capital disclosure (human capital, internal structure & relational structure), are investigated by panel data regression for 120 firms listed on Tehran Stock Exchange. Findings demonstrated there is not a negative significant relationship between number of directors and level of intellectual capital disclosure (there is no significant relationship). There is a positive significant relationship between percentage of independent directors and level of intellectual capital disclosure, and a negative relationship between CEO duality and level of intellectual capital disclosure. There is not a positive significant relationship between existence of internal auditing and level of intellectual capital disclosure (there is no significant relationship).

Keywords: Corporate governance, intellectual capital, intellectual capital disclosure, board characteristics, firms listed on Tehran Stock Exchange

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی